

گزارش

وقتی جغرافیا معنی شورش را تعیین می کند شکست شبه‌روشنفکران ایرانی در آشوب‌های پاریس

علی فلاحی
خبرنگار گروه سیاست

پنج روز از شلیک پلیس فرانسه به «نائل»، جوان ۱۷ ساله فرانسوی که منجر به قتل او شد می گذرد. این اتفاق تنها به جرم عبور از چراغ قرمز و عدم توجه به فرمان ایست پلیس رخ داد و از عصر همان روز خیابان‌های شهرهای مختلف فرانسه شاهد اعتراضات گسترده مردم خشمگین این کشور به این حادثه هستند. سطح خشونت و حجم درگیری‌ها بین معترضان و نیروهای پلیس در سال‌های اخیر کم‌سابقه است. به گزارش آسوشیتدپرس شمار معترضان دستگیر شده تنها در چهارمین شب از این اعتراضات از ۱۳۰۰ نفر فراتر رفته است و بیش از ۴۵ هزار پلیس مأمور مهار اعتراضات شده‌اند. حجم بالای حوادث فرانسه باعث شده است تا تحولات این کشور به سرخط خبرهای خبرگزاری‌های دنیا تبدیل شود. رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی و خارجی هم از این قاعده مستثنی نیستند و روز‌روهای گذشته هر یک با زاویه دید خاص خود مشغول پوشش اتفاقات فرانسه بودند. با توجه به شباهت زیاد حوادث اخیر فرانسه با اتفاقات پاییز سال گذشته در کشورمان انتظار می‌رود که به همان میزان در نحوه و میزان پوشش اخبار این حوادث شاهد شباهت‌هایی باشیم اما در مواضع برخی افراد و رسانه‌های فارسی‌زبان تناقض‌های آشکاری در مواجهه با این دو پدیده نسبتاً مشابه به چشم می‌خورد. در ادامه با مرور برخی از این موارد، علت این تناقض‌های آشکار را بررسی می‌کنیم.

بلاخره جنبش یا شورش؟

اولین موردی که باید به آن اشاره کرد عباراتی است که برای توصیف این حوادث استفاده می‌شوند. بسیاری از رسانه‌ها از جمله بی‌بی‌سی فارسی و برخی رسانه‌ها و اکانت‌های داخلی از به کار بردن اصطلاحاتی از جمله «شورش» و «آشوب» برای روایت اتفاقات فرانسه ابایی ندارند. دلیل استفاده از این عبارات هم خشونت بالای معترضان و آسیب رساندن به اموال عمومی قلمداد می‌شود. این در حالی است که این اتفاقات به میزان بسیار زیادی در سال گذشته در کشور خودمان نیز رخ داد اما این رسانه‌ها هرگز به خود اجازه نمی‌دانند که حوادث پاییز سال گذشته را با عباراتی غیر از «انقلاب» و «جنبش» توصیف کنند. طبیعی است که خشونت‌های عربان و تخریب بی‌حرم‌وزن اموال عمومی به بهانه اعتراض، توصیفی غیر از آشوب و شورش ندارد و وقایع فرانسه به‌دراستی به این صورت توصیف می‌شوند. اما سوال اصلی اینجاست که علت مواجهه متفاوتی این رسانه‌ها با حوادث مشابه ایران چیست! رسانه‌های مذکور با استفاده از عباراتی از قبیل «جنبش» سعی داشتند که بر رفتارهای خشونت‌آمیز آشوب‌گران حوادث سال گذشته سروش بگذرانند و آن را به‌عنوان یک جنبش اجتماعی جا‌بزنند. اما مواضع آنها در مواجهه با حوادث فرانسه نشان می‌دهد که ظاهراً این رسانه‌ها بر این باورند که شورش و آشوب در هر جای دنیا مذموم است مگر اینکه در ایران و علیه جمهوری اسلامی رخ دهد.

مواجهه متفاوت با مأموران امنیتی

برخی رسانه‌ها رفتار خشونت‌بار پلیس با معترضان را به دلیل خشونت بالای معترضان و تخریب اموال عمومی توسط آنان موجه می‌دانند. این مساله هم منطقی به نظر می‌رسد و طبیعی است که حفظ نظم و امنیت خیابان‌ها و مقابله با برهم‌زنندگان نظم عمومی از وظایف اصلی پلیس به شمار می‌رود. اما همین رسانه‌ها در پاییز سال گذشته با ترویج نظریه «چرخه خشونت» مشغول تئوریزه کردن سکوت و انفعال نیروهای انتظامی در مقابل اغتشاشات و خرابکاری‌های آشوبگران بودند. مشخص نیست که این رسانه‌ها بر چه مبنایی برای رفتار پلیس در ایران و فرانسه تفاوت قائل شده و ادعا می‌کنند خشونت‌ها در فرانسه با برخورد پلیس پایان می‌یابند اما در ایران پلیس باید خود را کنار بکشد تا اصطلاحاً چرخه خشونت متوقف شود!

وقتی سیاست سن عقلی را تعیین می کند

مورد عجیب دیگر موضع این رسانه‌ها نسبت به بازه سنی معترضان است. گرچه اشاره مستقیمی به این مساله مشاهده نشده است اما در برخی موارد سعی شده است تا میانگین سنی پایین معترضان در فرانسه به‌عنوان نقطه ضعفی برای این اعتراضات تلقی شود. به‌گونه‌ای که میانگین سنی پایین معترضان به بهانه‌ای برای نوشتن همه اعتراضات به پای شورش و هیجان دوران نوجوانی آنها تبدیل شده است. بهانه‌ای که رئیس جمهور فرانسه نیز دوست دارد تا از آن استفاده کند. مگرwon در اظهارنظری عجیب گفته بود که «بازی‌های ویدئویی، ذهن نوجوانان را مسموم کرده و باعث شده شورش کنند». اما مانند سایر تناقض‌ها، مساله میانگین سنی معترضان نیز در ایران واکنش‌های کاملاً متفاوتی را به همراه داشت. این رسانه‌ها نه‌تنها میانگین سنی پایین آشوبگران پاییز سال گذشته را نشانه ضعف نمی‌دانستند بلکه سعی داشتند تا با تعریف و تمجید از آنچه که شجاعت نسل جدید می‌خواندند، باعث تهییج بیشتر نوجوانان شوند.

اتفاقی مشابه و رفتارهای نامتشابه

اما فراتر از نحوه پوشش رسانه‌ای حوادث فرانسه، این اتفاقات دو تفاوت مهم با آشوب‌های سال گذشته در ایران نیز دارند. مادر نائل در اولین مصاحبه خود بعد از قتل پسرش در کنار دعوت از مردم فرانسه برای شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی، اظهار داشت که «تنها فرد شلیک‌کننده را مقصر می‌دانم» و ساختار پلیس را سرزنش نمی‌کند. این در حالی است که در زمان اغتشاشات پاییز سال گذشته برخی رسانه‌ها از هیچ تلاشی برای تعمیم جزئی‌ترین اشتباهات نیروهای پلیس به کل ساختار انتظامی کشور فروگذار نمی‌کردند. تفاوت دیگر نقش آفرینی کاملاً متفاوت سلبریتی‌های فرانسوی در جریان اعتراضات این کشور بود. بسیاری از سلبریتی‌های سرشناس این کشور هنوز واکنشی به این حوادث نشان نداده‌اند. اما کیلیان امپایه ستاره سرشناس تیم ملی فوتبال فرانسه در پیامی که خطاب به هموطنان خود منتشر کرد همه را به آرامش و دوری از خشونت دعوت کرد. نقش آفرینی‌ای که کاملاً عکس آن را از خیلی از سلبریتی‌های ایرانی در جریان حوادث پاییز سراغ داشتیم. با توجه به همین مساله حدس زدن علت اینکه واکنش امپایه توسط رسانه‌هایی مانند اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و بسیاری از رسانه‌های اصلاح‌طلب پوشش داده نشده است، کار سختی نیست.

در پایان باید مجدداً متذکر شد که بسیاری از مواضع ذکر شده درباره حوادث فرانسه دور از واقعیت نیستند اما نکته مهمی که باید به آن توجه کرد استاندارد دوگانه رسانه‌هایی است که بعضاً ادعای بی‌طرفی یا حمایت از مردم ایران را دارند، اما در عمل نقش پررنگی در ترویج هرچه بیشتر خشونت و ایجاد دوقطبی بین مردم ایران در حوادث پاییز ایفا کردند. شاید اگر این استاندارد دوگانه کنار گذاشته می‌شد و مواضع آنها نسبت به حوادث سال گذشته کشورمان به مواضع نسبت به آشوب‌های فرانسه شباهت داشت، شاهد بسیاری از اتفاقات تلخ در پاییز ۱۴۰۱ نمی‌بودیم.



زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

یکی از انتقاداتی که از ابتدای آغاز به کار دولت سیزدهم وارد می‌شد این بود که این دولت به لحاظ گفتگمانی چیزی برای ارائه نداشته یا حداقل اگر هم کلان‌ایده‌ای در این زمینه دارد نتوانسته آن را به جامعه ارائه کند. نهایتاً اما رئیس‌جمهور بعد از چندین ماه عدالت و جمهوریت را به‌عنوان گفتگمان دولت اعلام کرد. برای اینکه در جامعه فهمی عمومی از گفتگمان دولت به وجود بیاید فارغ از شیوه‌های عملکردی یا ارائه‌های تک‌خطی از زبان مقامات بالادستی باید مفاهیم فکری عمیقی نیز درمورد مسائل جامعه به وجود بیاید تا جامعه درمورد مسائل مختلفی که در آن اختلاف نظر وجود دارد بتواند موضع احتمالی دولت را پیش‌بینی کرده و خود را برای آن آماده کند. به‌طور مثال زمانی که دولت سیزدهم یکی از شعارهای خود را جمهوریت تعریف می‌کند مردم باید بتوانند موضع دولت درمورد مساله‌ای همچون گشت ارشاد را که در جامعه شکاف‌هایی نیز به وجود آورد تشخیص دهند. این امر نیز جز از طریق اعلام موضع صریح، بی‌پرده و کاملاً همسودولت‌مدان محقق نخواهد شد. درصورتی که دولت‌مدان درمورد مصادیق اینچنینی اظهارنظر نکرده یا دچار تشمت شوند این تلقی به وجود می‌آید که دولت با استدلال قابل دفاعی نداشته یا از صراحت در بیان موضع خود اجتناب می‌کند. خروجی این فرآیند این باور را تصدیق می‌کند که عملاً گفتگمان قدرتمندی به‌عنوان پشتوانه دولت وجود ندارد. چنین چالشی هیچ وقت درمورد مسائل پیش‌پاافتاده به وجود نمی‌آید و دولت‌مدان اگر می‌خواهند خود را واجد یک دال گفتگمانی متقن نشان دهند باید درمورد مسائل پیچیده و پرهیاهو مواضع عقلانی اتخاذ کرده و آن را با قاطعیت ابراز کنند. اگرچه این توقع وجود ندارد که همه مجریان دولتی بتوانند درمورد مسائل پیچیده اظهارنظر دقیق داشته باشند اما مطالبه اینکه نهادهای برای حل‌الحای مسائل پیچیده وجود داشته‌اند تا بتوانند به‌عنوان تریبون دولت پاسخگو نخبگان جامعه باشد امری منطقی است. بعد از تأسیس مرکز بررسی‌های استراتژیک در زمان دولت هاشمی این توقع به وجود آمد که این مرکز تا حد زیادی بتواند چنین نقشی را ایفا کرده و دولت را از سردرگمی در مباحث اجتماعی عمیق برهاند. در دولت سیزدهم نیز طبعاً چنین توقعی از این مرکز و مسئولان آن وجود دارد که درمورد مسائل مختلف به‌عنوان بازوی فکری دولت وارد عمل شده و حتی خود نیز به اظهارنظر بپردازند. این توقع البته به‌خوبی برآورده نشده و جامعه نخبگانی کشور تاکنون خروجی بیشتر از ۵ شماره مجله که البته در ۳ جلد به چاپ رسیده است از این مرکز ندیده است. «مجلات‌کی به مصادیق چالش‌برانگیز آن در جامعه نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حالا که کمتر از ۲ سال از آغاز به کار دولت سیزدهم گذشته زمه‌هایی از احتمال تعطیل شدن دائمی مرکز بررسی‌های استراتژیک به گوش می‌رسد تا اندک امید باقی‌مانده به استفاده از ظرفیت بازوی فکری دولت نیز از بین برود. به‌هرحال کنار رفتن محمصداق خط‌اطیان از سمت ریاست مرکز با هدف نستنت بر صندلی ریاست صندوق نوآوری و شکوفایی این زمه‌ها را محتمل‌تر کرده و باید منتظر ماند و دید آیا رئیس‌جمهور تن به برچیده شدن مرکز بررسی‌های استراتژیک خواهد داد یا سرنویشت دیگری را برای این مرکز رقم خواهد زد. در ادامه ضمن مرور تاریخچه‌ای از مسیری که مرکز بررسی‌های استراتژیک از بدو تأسیس تاکنون پیموده است به بررسی عوایدی پرداخته‌ایم که حفظ و تقویت مرکز می‌تواند برای کشور به‌ارمغان آورد.

تأسیس مرکز بررسی‌های دولت سازندگی

«مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری»، نهاد مشورتی رئیس‌جمهور با اتاق فکر دولت، در دوران ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی تأسیس شد. اولین رئیس این مرکز در سال ۶۸ موسوی‌خوئینی‌ها بود. خوئینی‌ها که در زمان امام دادستان کل کشور بود، بعد از ریاست محمد یزدی در قوه قضائیه به سمت رئیس این مرکز منصوب می‌شود و تا سال ۷۱ در این مسئولیت باقی می‌ماند. هدف از تشکیل این مرکز انجام مطالعات و پژوهش‌ها و ارائه پیشنهادها به رئیس‌جمهور بود. بعد از انتصاب خوئینی‌ها دیگر چهره‌های چپ به‌مرور در این مرکز مشغول به فعالیت شدند. چهره‌هایی مثل عباس عبدی، سعید حجاریان، محسن کدیور، عمادالدین باقی، علیرضا علوی‌تبار از جمله شخصیت‌هایی بودند که در دوران ریاست خوئینی‌ها در این مرکز مشغول به فعالیت می‌شوند. چهره‌های موسوم به جناح چپ که در ساختار قدرت نبودند در این مرکز به فعالیت می‌پرداختند و در برخی محافل سیاسی این گمانه مطرح می‌شد که هاشمی‌رفسنجانی تنها برای اینکه صدای اعتراضی از این جناح بلند نشود خوئینی‌ها را به این سمت منصوب

کرده است. استدلال افرادی که این نظر را داشتند این بود که پیشنهادهایی که از جانب چهره‌های چپ حاضر در مرکز و با زاویه‌نگاه آنها مطرح می‌شد، چندان مورد اقبال و توجه رئیس‌جمهور قرار نمی‌گرفت. سعید حجاریان معاون سیاسی‌خوئینی‌ها، پروژه توسعه سیاسی و جامعه مدنی» را که درواقع ترجمانی از ایده حسین بشیریه بود را به هاشمی ارائه داد و با بی‌توجهی او مواجه شد. به جهت تفاوت دیدگاه‌هایی که مرکز بررسی‌های استراتژیک با دولت و رئیس‌جمهور داشت، همکاری و فعالیت مثبت و قابل‌توجهی با این مرکز صورت نگرفت و به‌نظر می‌رسید هاشمی تنها برای اینکه سمت و مسئولیتی به افراد موسوم به جناح چپ داده باشد، خوئینی‌ها را به ریاست این مرکز منصوب کرده بود. خوئینی‌ها سال ۷۱ از مرکز بررسی‌ها رفت و حسن روحانی به جای او به ریاست این مرکز منصوب شد. درباره علت کناره‌گیری خوئینی‌ها از مرکز، روایت‌های متفاوتی وجود دارد. حجاریان علت استعفای خوئینی‌ها را تیره شدن روابط مجمع روحانیون مبارز با هاشمی بعد از انتخابات دور دوم ریاست جمهوری دانسته و نقل می‌کند که هاشمی حمایت مجمع را در رای آوری خود بی‌اثر خوانده بود، اما برخی هم می‌گفتند خوئینی‌ها بعد از دو سال و احتمالاً بعد از شکست جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم از ریاست مرکز کناره‌گیری کرد. با ریاست روحانی در این مرکز اما همچنان برخی شخصیت‌های چپ در این مرکز به فعالیت ادامه دادند. رسالت اصلی مرکز بررسی‌ها که ارائه پیشنهادها و نظرات به رئیس‌جمهور بود در زمان ریاست حسن روحانی در این مرکز نیز چندان عملی و اجرایی نشد. علیرضا علوی‌تبار که آن زمان معاون فرهنگی مرکز بررسی‌های احمدی‌نژاد به با آقای هاشمی ارتباطی نداشتیم، ولی آقای روحانی موضع‌هایی می‌گرفت و به اسم آقای هاشمی می‌گفت. مثلاً به یاد دارم ایشان همیشه می‌گفت آقای هاشمی نامه‌ای به من دادند که همه شما را اخراج کنم. «بریزم بیرون!» اصطلاحی که به کار می‌برد این بود. می‌گفت همه شما را بریزم بیرون، ولی من نمی‌خواهم این کار را بکنم. بعد هم به محتوای پروژه‌ها رسید؛ مثلاً پروژه فقر و نابرابری در بخش ما را حذف کرد.»

تأسیس مرکز بررسی‌های دولت جمهوری روحانی

با آغاز ریاست جمهوری حسن روحانی، حسام‌الدین آشنا به‌عنوان رئیس این مرکز منصوب شد. با توجه به برنامه دولت یازدهم و دوازدهم برای حصول توافق با غرب و پیگیری مذاکرات، عمده تمرکز این مرکز در این دوره بر این موضوع بوده است. برخی از منتقدان البته از تغییر چشمگیر بودجه مرکز بررسی‌ها در دولت روحانی می‌گفتند. برای مثال گفته می‌شد براساس لایحه بودجه سال ۹۶ برای برگزاری ۳۰ همایش مجموعاً سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون به مرکز بررسی‌ها بودجه اختصاص داده شده است. موضوعی که البته مرکز آن را تکذیب می‌کرد. ماجرای انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی ظریف که با نام تاریخ شفاهی ایران، توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری انجام شده بود، سبب شد آشنا در اردیبهشت ۱۴۰۰ استعفا بدهد و رئیس‌جمهور، علی‌ربعی را به جای او به‌عنوان ریاست این مرکز منصوب کند. انتشار صوت محمدجواد ظریف و دوقطبی‌های غیرسازنده‌ای که در ادامه در جامعه ایجاد کرد، باعث شد تا برخی این انتقاد را وارد کنند که مرکز بررسی‌های استراتژیک در دوره حسن روحانی نیز همچون دوره‌های پیشین رویکردی سیاست‌زده را اتخاذ کرده و نسبتی با اقدامات پژوهشی کمک‌کننده به دولت نداشته است.

تأسیس مرکز بررسی‌ها در دولت خامنی

با آغاز ریاست جمهوری خامنی در سال ۷۶، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، با نام جدید «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری» تشکیل شد. اهداف مرکز جدید همانند مرکز سابق بود با این تفاوت که در اساسنامه جدید، چند معاونت از ساختار قبلی حذف و بعضی نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از

معاونت‌های پیشین منصوب می‌شدند. ریاست مرکز بررسی‌ها به محمدرضا تاجیک سپرده شد. در دوره ریاست جمهوری خامنی تعاملات مثبتی میان این مرکز با دولت در ارائه پیشنهادها و برنامه‌ها صورت گرفت و همسویی که میان مرکز و دولت وجود داشت، باعث شد همکاری‌هایی در این رابطه صورت بگیرد. موضوعاتی مثل توسعه سیاسی، جامعه مدنی، مردم‌سالاری، حقوق بشر، رابطه دین و دموکراسی، پلورالیسم دینی و رنسانس اسلامی مواردی بودند که در این مرکز بحث و بررسی پیرامون آن صورت می‌گرفته است.

کم‌ررق شدن مرکز بررسی‌ها در دوره احمدی‌نژاد

ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک با تغییر دولت در سال ۸۴ تغییر کرد و محمدرضا ذاکرافهانی، به‌عنوان رئیس این مرکز منصوب شد. اعضای اصلی این مرکز در زمان ریاست ذاکرافهانی؛ مرتضی آقائزانی، غلامحسین الهام، عباسعلی کدخدایی، محمدعلی فتح‌اللهی، علی مختاری، الیاس نادران، صادق مصولی و فاطمه آلیا بودند. در این دوره انتشار مجله راهبرد که متعلق به مرکز بررسی‌ها بود متوقف و دو مجله برداشت اول و برداشت دوم منتشر شد که اولی برای مسئولان و به صورت تخصصی دومی هم در سطح عمومی منتشر می‌شد. غلبه نگاه‌های سیاسی به فعالیت‌های تحقیقاتی و ارائه پیشنهادات در این زمان هم قابل‌رویت بود. ذاکرافهانی البته بعد از ریاست بر مرکز به سمت استانداری اصفهان منصوب شد و بعد از او پرویز داوودی، معاون اول رئیس‌جمهور به این سمت منصوب شد. علاوه‌بر غلبه فعالیت‌های سیاسی، یکی دیگر از انتقاداتی که در ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به این مرکز وارد می‌شد این بود که چهره‌هایی که در مرکز به کار گرفته می‌شدند چندان اهل پژوهش نبودند. موسی نجفی یکی از پژوهشگران علوم سیاسی، در زمان ریاست ذاکرافهانی متأثر از چنین فضایی از مرکز بررسی‌های استراتژیک کناره‌گیری کرد.

مرکز بررسی‌ها در دوره ریاست جمهوری روحانی

با آغاز ریاست جمهوری حسن روحانی، حسام‌الدین آشنا به‌عنوان رئیس این مرکز منصوب شد. با توجه به برنامه دولت یازدهم و دوازدهم برای حصول توافق با غرب و پیگیری مذاکرات، عمده تمرکز این مرکز در این دوره بر این موضوع بوده است. برخی از منتقدان البته از تغییر چشمگیر بودجه مرکز بررسی‌ها در دولت روحانی می‌گفتند. برای مثال گفته می‌شد براساس لایحه بودجه سال ۹۶ برای برگزاری ۳۰ همایش مجموعاً سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون به مرکز بررسی‌ها بودجه اختصاص داده شده است. موضوعی که البته مرکز آن را تکذیب می‌کرد. ماجرای انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی ظریف که با نام تاریخ شفاهی ایران، توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری انجام شده بود، سبب شد آشنا در اردیبهشت ۱۴۰۰ استعفا بدهد و رئیس‌جمهور، علی‌ربعی را به جای او به‌عنوان ریاست این مرکز منصوب کند. انتشار صوت محمدجواد ظریف و دوقطبی‌های غیرسازنده‌ای که در ادامه در جامعه ایجاد کرد، باعث شد تا برخی این انتقاد را وارد کنند که مرکز بررسی‌های استراتژیک در دوره حسن روحانی نیز همچون دوره‌های پیشین رویکردی سیاست‌زده را اتخاذ کرده و نسبتی با اقدامات پژوهشی کمک‌کننده به دولت نداشته است.

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری که در دولت‌های قبل نقش ایده‌پرداز داشت، تعطیل می‌شود؟

مهم‌ترین بازوی فکری دولت در خطر تعطیلی



اثراتی که مرکز می‌تواند داشته باشد

اگرچه رویکرد غالباً سیاسی مرکز بررسی‌های استراتژیک در دوره‌های مختلف باعث شده جامعه و به‌طور ویژه‌تر فضای نخبگانی جامعه عملکرد مرکز را منفی و جایگاه آن را تشریفاتی قلمداد کنند، اما این نگاه نباید مانع از این شود که دولت‌مدان نسبت به ظرفیت‌های بلااستفاده مرکز غافل شوند. ظرفیت‌هایی که با اصلاح رویه‌های معمول می‌تواند فعال شود و به دولت کمک فکری موثری کند. برخی از این ظرفیت‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. ایجاد بستری برای گفت‌وگوی موثر

بعد از آغاز موج التهابات در خیابان‌های ایران شاهد بودیم که گروه‌های مختلف مردم هر یک از ظن خود حوادث رخ داده را تحلیلی کردند و اختلاف نظرات بعضاً به شکاف نیز انجامید. تنها راهکار رفع چنین اختلافاتی ایجاد بستری برای گفت‌وگو بین اقلشار مختلف جامعه به‌ویژه نخبگان است، دولت نیز با چنین هدفی راه‌اندازی خانه‌های گفت‌وگو در دانشگاه‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۲. پل ارتباطی دولت با نخبگان

مسئولان اجرایی کشور به‌واسطه حجم مشغله‌های روزمره شاید این توان را نداشته باشند که ساعت‌ها پای نظرات چهره‌های علمی بنشینند و شرح کاملی از استدلال‌های آنها را بشنوند، مرکز بررسی‌های استراتژیک این امکان را فراهم می‌آورد که نخبگان بتوانند نظرات خود را به‌صورت مفصل ارائه بدهند و خروجی این نظرات نیز می‌تواند در ادامه به فضای هیات دولت منتقل شود. از سوی مقابل دولت‌مدان برای تشریح چرایی تصمیمات اتخاذی می‌توانند از ظرفیت مرکز بررسی‌ها برای انقاع جامع نخبگانی بهره ببرند و مانع از این شوند که آنها به‌دلیل نشنیدن استدلال‌های دولت یا قضاوتی یک‌جانبه به‌تقدردانیکال دولت بپردازند و احیاناً افکار عمومی را نیز نسبت به عملکرد دولت بدبین کنند.

۳. قوه عاقله‌ای برای مصادیق

پیچیدگی‌های اداره کشور گاهی مسائلی را به وجود می‌آورد که محل بحث و اختلاف‌نظرهای فراوانی است. تصمیم‌گیری دربرهنگام یا غیرقاطعانه در چنین مواردی باعث می‌شود افراد مختلف هر یک برای حل مساله راهی جداگانه اتخاذ و ریل حرکتی دولت را دچار تشمت کنند. دامنه این اختلافات زمانی که به میان مردم کشیده شود، شکاف‌های اجتماعی را پدید می‌آورد که می‌تواند بحران آفرین باشد. مرکز بررسی‌های استراتژیک ظرفیت فکری را در اختیار دولت‌مدان درگیر مشغله‌های انبوه قرار می‌دهد که با استفاده از آن می‌توانند درمورد مسائل پیچیده نیز سریع‌تر به جمع‌بندی برسند و دچار چنددستگی نشوند. لازمه چنین تأثیری این است که اولاً پژوهشگران حاضر در مرکز بررسی‌ها با استدلال‌های دقیق و موشکافانه برای حل مسائل راهکار ارائه دهند و ثانیاً دولت‌مدان در اختلاف‌نظرها نخبگان جامعه را مرجع قرار دهند و با اجماع حول نظرات کارشناسی شده آنان مانع از ایجاد شکاف‌های سیاسی و اجتماعی شوند.